

نقد و ارزیابی نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و مطالعات نسخه‌شناسی

چکیده

نسخ خطی قرآن به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و دینی جهان اسلام، از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات قرآنی برخوردار هستند. با این حال، بسیاری از این نسخه‌ها در طول تاریخ به دلیل جنگ‌ها، بلایای طبیعی و بی‌توجهی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. در این میان، مستشرقان نقش قابل توجهی در کشف، حفظ و مطالعه این نسخ خطی ایفا کرده‌اند. با این وجود، فعالیت‌های آنان همواره مورد بحث و نقد بوده است. از یک سو، تلاش‌های آنان در حفظ و احیای نسخ خطی قرآن قابل تقدیر است، و از سوی دیگر، رویکردهای آنان به قرآن به عنوان یک متن تاریخی و فرهنگی، گاه با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض قرار گرفته است. این مقاله با هدف تحلیل انتقادی نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و بررسی تأثیرات آن بر مطالعات نسخه‌شناسی، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مستشرقان با کشف نسخه‌های مهمی مانند نسخه **صنعا** و انجام پروژه‌های بزرگ دیجیتالی‌سازی، نقش بسزایی در حفظ میراث قرآنی ایفا کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از روش‌های علمی پیشرفته، مانند کربن‌سنجی و تصویربرداری چندطیفی، به توسعه روش‌های نوین در نسخه‌شناسی قرآن کمک کرده‌اند. پروژه‌هایی مانند **کورپوس کورانیوم** و **پروژه قرآن برلین**، نمونه‌هایی از این دستاوردها هستند که امکان دسترسی جهانی به نسخ خطی قرآن را فراهم کرده‌اند. با این حال، فعالیت‌های مستشرقان با چالش‌هایی نیز همراه بوده است. برخی از آن‌ها با پیشفرض‌های غربی به مطالعه قرآن پرداخته‌اند که ممکن است با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض باشد. برای مثال، رویکردهای تاریخی‌گرایی و زبان‌شناختی مستشرقان، گاه به ادعاهایی درباره تحریف یا تغییر در قرآن منجر شده است که مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است. همچنین، مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی قرآن، مانند جمع‌آوری نسخه‌ها بدون اجازه صاحبان اصلی، از دیگر چالش‌های فعالیت‌های مستشرقان است. این مقاله با تحلیل انتقادی این فعالیت‌ها، به بررسی دستاوردها و چالش‌های مستشرقان در قرآن‌پژوهی معاصر پرداخته و پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده ارائه کرده است. از جمله این پیشنهادات، بررسی تطبیقی روش‌شناسی مستشرقان و محققان اسلامی، تحلیل تأثیرات فعالیت‌های مستشرقان بر قرآن‌پژوهی معاصر در جهان اسلام، و بررسی مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی قرآن است. این پژوهش‌ها می‌تواند به درک بهتر نقش مستشرقان در قرآن‌پژوهی و تقویت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: مستشرقان، نسخ خطی قرآن، نسخه‌شناسی، شرق‌شناسی، مطالعات قرآنی، میراث

اسلامی

۱- بیان مسئله:

نسخ خطی قرآن به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و دینی جهان اسلام، از اهمیت بالایی برخوردار هستند. این نسخه‌ها نه تنها از نظر دینی ارزشمندند، بلکه به عنوان اسناد تاریخی و فرهنگی نیز حائز اهمیت هستند. با این حال، بسیاری از این نسخه‌ها در طول تاریخ به دلیل جنگ‌ها، بلایای طبیعی و بی‌توجهی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. در این میان، مستشرقان (شرق‌شناسان غربی) نقش قابل توجهی در کشف، حفظ و مطالعه این نسخ خطی ایفا کرده‌اند. فعالیت‌های آنان از قرن ۱۸ به بعد، به ویژه در حوزه نسخه‌شناسی قرآن، تأثیرات عمیقی بر مطالعات قرآنی داشته است.

با این حال، نقش مستشرقان در این زمینه همواره مورد بحث و نقد بوده است. از یک سو، تلاش‌های آنان در حفظ و احیای نسخ خطی قرآن قابل تقدیر است، و از سوی دیگر، رویکردهای آنان به قرآن به عنوان یک متن تاریخی و فرهنگی، گاه با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض قرار گرفته است. این مقاله به بررسی انتقادی نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و تأثیرات آن بر مطالعات نسخه‌شناسی می‌پردازد.

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی درباره نقش مستشرقان در قرآن‌پژوهی انجام شده است. برخی از این مطالعات به بررسی کلی فعالیت‌های مستشرقان در حوزه مطالعات اسلامی پرداخته‌اند، در حالی که برخی دیگر بر جنبه‌های خاصی مانند تاریخ‌گذاری قرآن یا تفسیر مستشرقان متمرکز شده‌اند. برای مثال، آثار محققانی مانند تور آندره، ریچارد بل و آرتور جفری به عنوان نمونه‌های کلاسیک در این زمینه مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با این حال، پژوهش‌های کمتری به طور خاص به نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و تأثیرات آن بر نسخه‌شناسی پرداخته‌اند. برخی از مطالعات اخیر، مانند تحقیقات فرانسوا دروش درباره نسخه‌های صنعا، به این موضوع نزدیک شده‌اند، اما هنوز خلأهایی در تحلیل جامع و انتقادی این نقش وجود دارد. این مقاله می‌کوشد تا با پر کردن این خلأ، نقش مستشرقان را در این حوزه به طور عمیق‌تری بررسی کند.

سؤالاتی که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آن است عبارتند از:

۱. مستشرقان چه نقشی در کشف و حفظ نسخ خطی قرآن داشته‌اند؟
۲. روش‌شناسی مستشرقان در مطالعه نسخ خطی قرآن چگونه بوده است؟
۳. تأثیرات فعالیت‌های مستشرقان بر قرآن‌پژوهی معاصر چیست؟
۴. چه نقدهایی بر رویکردهای مستشرقان در نسخه‌شناسی قرآن وارد است؟

هر تحقیقی بایستی در چارچوب خاص و قلمرو مشخصی و با توجه به شرایط و امکانات و محدودیت‌های خاص خود صورت بگیرد، و قلمرو تحقیق در بُعد زمان، مکان و موضوع بایستی مشخص باشد (سپهری‌فرد، ۱۴۰۳، ص ۶۵) قلمرو تحقیق از لحاظ موضوعی «مطالعات قرآنی مستشرقان» و از بعد زمانی، هرچند کلیه فعالیت‌های قرآنی مستشرقان را فرا می‌گیرد اما تمرکز آن بر مطالعات مستشرقان معاصر است.

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی منابع اولیه (آثار مستشرقان، نسخ خطی و پروژه‌های دیجیتالی‌سازی) و منابع ثانویه (کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها) جمع‌آوری خواهد شد. روش تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر تحلیل انتقادی خواهد بود، به طوری که فعالیت‌های مستشرقان در زمینه نسخ خطی قرآن از جنبه‌های مختلف مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه درباره نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و تأثیرات آن بر مطالعات نسخه‌شناسی، موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است. با این حال، پژوهش‌های پیشین بیشتر به بررسی کلی فعالیت‌های مستشرقان در حوزه مطالعات اسلامی پرداخته‌اند و کمتر به طور خاص به نقش آن‌ها در احیای نسخ خطی قرآن و تأثیرات آن بر نسخه‌شناسی قرآن متمرکز شده‌اند.

- مطالعات کلی درباره مستشرقان و قرآن پژوهی: در میان پژوهش‌های کلاسیک، آثار محققانی مانند تور آندره، ریچارد بل و آرتور جفری به عنوان نمونه‌های برجسته در حوزه مطالعات مستشرقان درباره قرآن مطرح شده‌اند. این محققان با رویکردهای تاریخی و زبان‌شناختی به مطالعه قرآن پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند تا قرآن را به عنوان یک متن تاریخی و فرهنگی تحلیل کنند. برای مثال، ریچارد بل در کتاب مقدمه بر قرآن (۱۹۵۳) به بررسی تاریخ‌گذاری سوره‌ها و آیات قرآن پرداخته است. همچنین، آرتور جفری در کتاب مواد برای تاریخ متن قرآن (۱۹۳۷) به تحلیل نسخ خطی قرآن و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر پرداخته است. این مطالعات اگرچه به توسعه روش‌های علمی در قرآن‌پژوهی کمک کرده‌اند، اما اغلب با پیشفرض‌های غربی همراه بوده‌اند که مورد نقد محققان اسلامی قرار گرفته‌اند.

- مطالعات درباره نسخ خطی قرآن: در حوزه نسخ خطی قرآن، پژوهش‌هایی مانند تحقیقات فرانسوا دروش درباره نسخه‌های صنعا و پروژه‌های دیجیتالی‌سازی نسخ خطی قرآن، از جمله مطالعات پیشگامانه در این زمینه محسوب می‌شوند. دروش در کتاب قرآن‌های اموی: یک مرور

کلی (۲۰۱۴) به بررسی نسخ خطی قرآن از دوره اموی پرداخته و روش‌های علمی مانند کربن‌سنجی و تصویربرداری چندطیفی را برای تحلیل این نسخه‌ها به کار گرفته است. همچنین، پروژه‌هایی مانند کورپوس کورانیوم به رهبری آنجلیکا نویورت^۱ و میثائل مارکس^۲، به جمع‌آوری و تحلیل نسخ خطی قرآن از سراسر جهان پرداخته‌اند و پایگاه‌های داده‌ای را برای دسترسی محققان به این منابع ایجاد کرده‌اند. این پروژه‌ها اگرچه به حفظ میراث قرآنی کمک کرده‌اند، اما با چالش‌هایی مانند نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی و مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی مواجه بوده‌اند.

- **مطالعات انتقادی درباره رویکردهای مستشرقان:** برخی از محققان اسلامی مانند محمد مصطفی اعظمی و نصر حامد ابوزید، به نقد رویکردهای مستشرقان در مطالعه قرآن پرداخته‌اند. در کتاب تاریخ متن قرآن: بررسی نسخ خطی و تاریخ‌گذاری (۲۰۰۳)، ادعاهای مستشرقان درباره تحریف یا تغییر در قرآن را رد کرده و تأکید کرده است که تفاوت‌های جزئی بین نسخ خطی قرآن نتیجه طبیعی فرآیند کتابت و نسخه‌برداری است. ابوزید نیز در کتاب متن قرآن: چالش‌های تفسیر مدرن (۲۰۰۴)، به نقد رویکردهای تاریخی‌گرایی و زبان‌شناختی مستشرقان پرداخته و تأکید کرده است که قرآن باید در چارچوب اعتقادات اسلامی مطالعه شود.

- **پروژه‌های دیجیتال‌سازی و حفظ نسخ خطی:** پروژه‌های دیجیتال‌سازی نسخ خطی قرآن، مانند پروژه قرآن برلین و پروژه قرآن دانشگاه پرینستون، از جمله دستاوردهای مهم مستشرقان در این حوزه محسوب می‌شوند. این پروژه‌ها با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته مانند تصویربرداری چندطیفی و تحلیل دیجیتال متن، به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های بین نسخه‌های مختلف قرآن پرداخته‌اند. با این حال، برخی از محققان اسلامی نگران هستند که دیجیتال‌سازی نسخ خطی قرآن ممکن است به کاهش توجه به نسخه‌های فیزیکی و ارزش معنوی آن‌ها منجر شود.

با وجود مطالعات متعدد درباره نقش مستشرقان در قرآن‌پژوهی، هنوز خلأهایی در تحلیل جامع و انتقادی نقش آن‌ها در احیای نسخ خطی قرآن و تأثیرات آن بر نسخه‌شناسی وجود دارد. بسیاری از پژوهش‌های پیشین به طور خاص به این موضوع نپرداخته‌اند و بیشتر به جنبه‌های کلی فعالیت‌های مستشرقان متمرکز شده‌اند. این مقاله با پر کردن این خلأ، به بررسی عمیق‌تر نقش مستشرقان در این حوزه و تحلیل تأثیرات مثبت و منفی فعالیت‌های آن‌ها بر قرآن‌پژوهی معاصر می‌پردازد.

وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های پیشین در این است که به طور خاص به نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و تأثیرات آن بر مطالعات نسخه‌شناسی می‌پردازد. در حالی که بسیاری از

^۱. Angelika Neuwirth

^۲. Michael Marx

مطالعات پیشین به بررسی کلی فعالیت‌های مستشرقان در حوزه مطالعات اسلامی پرداخته‌اند، اما این مقاله با تمرکز بر نسخ خطی قرآن و روش‌شناسی مستشرقان در مطالعه این نسخه‌ها، به تحلیل انتقادی دستاوردها و چالش‌های فعالیت‌های آن‌ها می‌پردازد. همچنین، این مقاله با بررسی پروژه‌های بزرگ دیجیتالی‌سازی و روش‌های علمی پیشرفته‌ای که مستشرقان به کار گرفته‌اند، به توسعه درک بهتری از نقش آن‌ها در قرآن‌پژوهی معاصر کمک می‌کند.

۳- مبانی نظری و مفهومی

در این بخش از مقاله به مفهوم‌شناسی مفاهیم اصلی تحقیق حاضر پرداخته می‌شود.

- استشراق:

«استشراق» واژه‌ای است که ابداع و تأسیس آن از اروپا نشأت گرفته است. واژه «استشراق» اولین بار در سال ۱۷۷۹ میلادی در انگلستان و سپس در سال ۱۷۹۹ میلادی در فرانسه، به معنای اختصاصی «علم شناخت شرق» استعمال شده است. سپس در سال ۱۸۳۸ میلادی، «استشراق» (Orientalism) برای اولین بار در قاموس آکادمی فرانسه وضع گردید. (العقیقی، ۱۹۶۵م، ج ۱، ص ۱۱۰) «استشراق» معادل اصطلاح انگلیسی (Orientalism) به معنای شرق‌شناسی و خاورشناسی می‌باشد. هرچند در زبان انگلیسی هم واژه (Orient) و (east) به مفهوم «شرق» می‌باشد، اما (east) معمولاً به مفهوم «جهت شرقی» استفاده می‌گردد، اما کلمه (Orient) اغلب به مفهوم سرزمین‌های واقع در شرق دریای مدیترانه و اروپا می‌باشد، از این روی «استشراق» از کلمه (Orient) اقتباس گردیده است. (زمانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳)

درباره معنای اصطلاحی «استشراق»، اندیشمندان نظرات و آرای گوناگونی دارند. گروهی «استشراق» را به مفهوم رویکرد غرب به مطالعه و بررسی اوضاع و احوال تاریخ، تمدن، فرهنگ و دیگر شئون حیات در شرق تعبیر کرده‌اند. (اسعدی، ۱۳۸۱، ص ۲۵) در تعریفی دیگر، «استشراق» یک استراتژی غرب به هدف تسلط بر شرق و تغییر ساختار آن معرفی شده است. (سعید، ۱۳۸۶، ص ۲۲) برخی دیگر نیز «استشراق» را علم شناخت شرق تعریف کرده‌اند. (الویری، ۱۳۸۱، ص ۱۴) گروهی نیز «استشراق» را به معنای تدریس، نوشتن و پژوهش پیرامون شرق دانسته‌اند که توسط جامعه‌شناس، مورخ یا زبان‌شناس صورت می‌گیرد. (ولایتی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۱)

در تعریفی جامع می‌توان «استشراق» را چنین تعریف نمود: «استشراق، مجموعه مطالعات و تحقیقات غربی‌ها است که با هدف اکتشاف ثروت‌های مادی و معنوی و تأمین منافع غربی‌ها، به شناخت یا فراهم کردن مقدمات شناخت اسلام و شقوق مختلف تمدن، جغرافیا، معادن، تاریخ،

زبان، ادبیات، هنر، فرهنگ، آداب، سنن و حیات مردم کشورهای مشرق زمین از خاور دور تا نزدیک و شرق دریای مدیترانه و حتی دیگر سرزمین‌های اسلامی در آفریقای شمالی و سایر نقاط جهان می‌پردازد و این مطالعات عمدتاً به وسیله اندیشمندان غربی انجام می‌گیرد». (سپهری فرد و ریاحی مهر، ۱۴۰۱، ص ۲۸۱)

- نسخه‌شناسی

نسخه‌شناسی (Codicology) شاخه‌ای از مطالعات کتاب‌شناسی است که به بررسی فنی و علمی نسخ خطی می‌پردازد. این رشته شامل مطالعه مواد به کار رفته در نسخه‌ها (مانند کاغذ، مرکب و جلد)، خطوط، تزئینات، تاریخ‌گذاری و مقایسه نسخه‌های مختلف است. نسخه‌شناسی در مطالعات قرآنی به شناسایی و تحلیل نسخ خطی قرآن کمک می‌کند و اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ و تحولات متن قرآن ارائه می‌دهد. (دانش پژوه، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۱۵)

- نسخ خطی قرآن

نسخ خطی قرآن به دست‌نوشته‌های قدیمی قرآن گفته می‌شود که در دوره‌های مختلف اسلامی توسط کاتبان و خوشنویسان تهیه شده‌اند. این نسخه‌ها از نظر تاریخی، هنری و دینی بسیار ارزشمند هستند و برخی از آن‌ها به قرون اولیه اسلام بازمی‌گردند. نسخ خطی قرآن شامل مصاحف کامل، بخش‌هایی از قرآن یا تفاسیر خطی هستند و در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی در سراسر جهان نگهداری می‌شوند. (صفا، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۵)

۴- چارچوب نظری:

برای تحلیل نقش مستشرقان در نسخه‌شناسی قرآن، می‌توان از چارچوبی چندبعدی استفاده کرد که شامل ابعاد تاریخی، روش‌شناختی و انتقادی است. این چارچوب به بررسی فعالیت‌های مستشرقان در سه سطح می‌پردازد:

سطح اول: کشف و حفظ نسخ خطی

مستشرقان با سفر به مناطق مختلف جهان اسلام و همکاری با کتابخانه‌ها و موزه‌ها، نسخ خطی قرآن را کشف و حفظ کرده‌اند. این فعالیت‌ها شامل جمع‌آوری، مرمت و دیجیتال‌سازی نسخه‌ها است.

سطح دوم: روش‌شناسی در مطالعه نسخ خطی

مستشرقان از روش‌های علمی مانند تاریخ‌گذاری، مقایسه نسخه‌ها و تحلیل خطوط برای مطالعه نسخ خطی قرآن استفاده کرده‌اند. این روش‌ها شامل استفاده از علوم جدید مانند کربن‌سنجی و تصویربرداری پیشرفته است.

سطح سوم: تأثیرات بر قرآن‌پژوهی

فعالیت‌های مستشرقان تأثیرات عمیقی بر قرآن‌پژوهی معاصر داشته است، از جمله توسعه روش‌های علمی در نسخه‌شناسی و معرفی قرآن به عنوان یک متن تاریخی و فرهنگی به جهانیان. (نصر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳).

۵- بررسی رویکردهای مستشرقان به قرآن به عنوان یک متن تاریخی و فرهنگی

مستشرقان در مطالعه قرآن، رویکردهای مختلفی را در پیش گرفته‌اند که عمدتاً تحت تأثیر پیشفرض‌های تاریخی، فرهنگی و روش‌شناختی آن‌ها قرار دارد. این رویکردها را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: رویکرد تاریخی، رویکرد فرهنگی و رویکرد انتقادی. هر یک از این رویکردها دارای نقاط قوت و ضعفی است که در ادامه به تفصیل بررسی و تحلیل می‌شود.

۱-۵. رویکرد تاریخی

مستشرقان در این رویکرد، قرآن را به عنوان یک متن تاریخی مطالعه می‌کنند و سعی دارند با استفاده از روش‌های تاریخی، به بررسی تحولات متن قرآن و تاریخ‌گذاری آن بپردازند. این رویکرد شامل تحلیل نسخ خطی، مقایسه آن‌ها با منابع تاریخی و تلاش برای تعیین تاریخ دقیق نزول سوره‌ها و آیات است. برای مثال، ریچارد بل در کتاب مقدمه بر قرآن (۱۹۵۳) به بررسی تاریخ‌گذاری سوره‌ها و تحولات متن قرآن پرداخته است. همچنین، تئودور نولدکه در کتاب تاریخ قرآن (۱۸۶۰) سعی کرده است تا سوره‌های قرآن را بر اساس سبک و محتوا به دوره‌های مختلف تاریخی تقسیم کند.

نقاط قوت: این رویکرد به توسعه روش‌های علمی در مطالعه قرآن کمک کرده است. استفاده از تکنیک‌هایی مانند کربن‌سنجی و تحلیل نسخ خطی، اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ قرآن و تحولات آن ارائه می‌دهد.

نقاط ضعف: این رویکرد ممکن است با دیدگاه اسلامی درباره وحیانی بودن و تغییرناپذیری قرآن در تعارض باشد. برخی از مستشرقان با پیشفرض‌های تاریخی‌گرایی، قرآن را صرفاً به عنوان یک متن بشری مطالعه می‌کنند که این موضوع مورد نقد محققان اسلامی قرار گرفته است. برای مثال، جان ونسبرو در کتاب مطالعات قرآنی (۱۹۷۷) ادعا کرده است که قرآن نتیجه فرآیندی طولانی از

گردآوری و ویرایش است، که این ادعا با اعتقادات اسلامی درباره حفظ قرآن از تحریف در تضاد است.

۲-۵. رویکرد فرهنگی

در این رویکرد، مستشرقان قرآن را به عنوان بخشی از فرهنگ و تمدن اسلامی مطالعه می‌کنند و تأثیرات متقابل قرآن بر فرهنگ‌های مختلف را بررسی می‌کنند. این رویکرد شامل مطالعه تأثیر قرآن بر ادبیات، هنر، علوم و فلسفه در جهان اسلام است. برای مثال، آرتور آربری در کتاب قرآن: ترجمه و تفسیر (۱۹۵۵) به بررسی تأثیر قرآن بر ادبیات و هنر اسلامی پرداخته است. همچنین، شیلا بلر در کتاب خوشنویسی اسلامی (۲۰۰۶) به تحلیل تأثیر قرآن بر هنر خوشنویسی و تزئینات نسخ خطی پرداخته است.

نقاط قوت: این رویکرد به درک بهتر نقش قرآن در شکل‌گیری تمدن اسلامی و تأثیرات آن بر فرهنگ‌های مختلف کمک می‌کند. همچنین، این رویکرد به ایجاد گفت‌وگوی بین‌فرهنگی بین جهان اسلام و غرب کمک کرده است.

نقاط ضعف: برخی از مستشرقان در این رویکرد، جنبه‌های معنوی و الهیاتی قرآن را نادیده گرفته‌اند و صرفاً به جنبه‌های فرهنگی و تاریخی آن پرداخته‌اند. این موضوع ممکن است به ارائه تصویری ناقص از قرآن منجر شود که با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض است.

۳-۵. رویکرد انتقادی

برخی از مستشرقان با رویکردی انتقادی به قرآن نگاه می‌کنند و سعی دارند با استفاده از روش‌های تطبیقی، قرآن را با متون دیگر مقایسه کنند. این رویکرد شامل نقد متن قرآن از نظر ساختار، محتوا و تأثیرات تاریخی است. برای مثال، کریستوف لوکزنبرگ در کتاب قرائت سوری-آرامی قرآن (۲۰۰۷) ادعا کرده است که برخی از آیات قرآن تحت تأثیر زبان‌های سامی قدیمی مانند آرامی قرار داشته‌اند. همچنین، آرتور جفری در کتاب مواد برای تاریخ متن قرآن (۱۹۳۷) به بررسی تأثیرات متون یهودی و مسیحی بر قرآن پرداخته است.

نقاط قوت: این رویکرد به توسعه روش‌های تطبیقی در مطالعه قرآن کمک کرده است و امکان بررسی تأثیرات متقابل بین قرآن و متون دیگر را فراهم می‌کند.

نقاط ضعف: این رویکرد اغلب با پیشفرض‌های غربی همراه است و ممکن است به ادعاهایی درباره تحریف یا تغییر در قرآن منجر شود که مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است. برای

مثال، ادعاهای لوکزنبرگ درباره تأثیر زبان‌های سامی بر قرآن، با اعتقادات اسلامی درباره فصاحت و بلاغت قرآن در تعارض است.

در جمع‌بندی رویکردهای فوق می‌توان گفت:

رویکرد تاریخی: اگرچه این رویکرد به توسعه روش‌های علمی در مطالعه قرآن کمک کرده است، اما ممکن است با دیدگاه اسلامی درباره وحیانی بودن قرآن در تعارض باشد. این رویکرد نیاز به نقد و بررسی دقیق‌تری دارد تا بتوان از روش‌های علمی آن به صورت انتقادی استفاده کرد.

رویکرد فرهنگی: این رویکرد به درک بهتر نقش قرآن در شکل‌گیری تمدن اسلامی کمک کرده است، اما ممکن است جنبه‌های معنوی و الهیاتی قرآن را نادیده بگیرد. این رویکرد نیاز به تعادل بین مطالعه فرهنگی و توجه به جنبه‌های دینی قرآن دارد.

رویکرد انتقادی: این رویکرد اگرچه به توسعه روش‌های تطبیقی کمک کرده است، اما اغلب با پیشفرض‌های غربی همراه است و ممکن است به ادعاهایی درباره تحریف یا تغییر در قرآن منجر شود. این رویکرد نیاز به نقد و بررسی دقیق‌تری دارد تا بتوان از روش‌های آن به صورت انتقادی استفاده کرد.

جدول ۱: رویکردهای مستشرقان به قرآن به عنوان یک متن تاریخی و فرهنگی

رویکرد	پژوهشگران	نقاط قوت	نقاط ضعف
تاریخی	ریچارد بل، تئودور نولدکه، جان ونسبرو	کمک به توسعه روش‌های علمی در مطالعه قرآن، تحلیل دقیق تحولات متن قرآن	تعارض با دیدگاه اسلامی درباره وحیانی بودن و تغییرناپذیری قرآن، فرضیات تاریخی‌گرایی
فرهنگی	آرتور آربری، شیلا بلر	کمک به درک بهتر نقش قرآن در تمدن اسلامی، تسهیل گفت‌وگوی بین‌فرهنگی	نادیده گرفتن جنبه‌های معنوی و الهیاتی قرآن، ارائه تصویری ناقص از آن
انتقادی	کریستوف لوکزنبرگ، آرتور جفری	توسعه روش‌های تطبیقی، بررسی تأثیرات متقابل بین قرآن و متون دیگر	همراه بودن با پیشفرض‌های غربی، ادعاهای مربوط به تحریف یا تغییر قرآن

۶. نقش مستشرقان در کشف و حفظ نسخ خطی قرآن

کشف نسخ خطی، حفظ و مرمت نسخ خطی، ایجاد پایگاه‌های جامع از نسخ خطی قرآن برای استفاده محققان و علاقه‌مندان، از جمله نقش‌های مستشرقان در کشف و حفظ نسخ خطی قرآن کریم می‌باشد که در ذیل به بحث و بررسی آن پرداخته می‌شود.

۶-۱. کشف نسخ خطی:

مستشرقان از قرن ۱۸ به بعد، با سفر به مناطق مختلف جهان اسلام و همکاری با کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی، به کشف نسخ خطی قرآن پرداختند. این فعالیت‌ها منجر به شناسایی نسخه‌های ارزشمند و نادری از قرآن شد که برخی از آن‌ها به قرون اولیه اسلام بازمی‌گردند. برای مثال، کشف نسخه صنعا در یمن توسط مستشرقان، یکی از مهم‌ترین دستاوردها در این زمینه است. این نسخه که به قرن اول هجری نسبت داده می‌شود، اطلاعات مهمی درباره تاریخ قرآن و تحولات آن ارائه می‌دهد. (Puin, Gerd-R., ۱۹۹۶, pp. ۱۰۷-۱۱۱)

۶-۲. حفظ و مرمت نسخ خطی

مستشرقان نه تنها در کشف نسخ خطی قرآن نقش داشته‌اند، بلکه در حفظ و مرمت این نسخه‌ها نیز فعالیت‌های قابل توجهی انجام داده‌اند. آن‌ها با استفاده از روش‌های علمی و فنی، به مرمت نسخه‌های آسیب‌دیده پرداخته و آن‌ها را برای نسل‌های آینده حفظ کرده‌اند. برای مثال، پروژه‌های دیجیتال‌سازی نسخ خطی قرآن در کتابخانه‌های اروپایی و آمریکایی، به رهبری مستشرقان، امکان دسترسی جهانی به این نسخه‌ها را فراهم کرده است. (Déroche, ۲۰۱۴, p ۴۵)

مستشرقان با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته، گام‌های بزرگی در جهت حفظ و مرمت نسخ خطی قرآن برداشته‌اند. این فعالیت‌ها تنها محدود به مرمت فیزیکی نسخه‌ها نبوده، بلکه شامل استفاده از روش‌های نوین مانند تصویربرداری چندطیفی (Multispectral Imaging) و تحلیل شیمیایی مواد نیز می‌شود. این روش‌ها به محققان امکان می‌دهد تا حتی متن‌های مخفی یا آسیب‌دیده در نسخه‌ها را بازیابی کنند. برای نمونه، در پروژه‌ای که توسط فرانسوا دروش در کتابخانه ملی فرانسه انجام شد، از تصویربرداری چندطیفی برای خواندن بخش‌هایی از یک نسخه خطی قرآن استفاده شد که به دلیل گذشت زمان تقریباً ناخوانا شده بود. (Déroche, ۲۰۱۹, p ۶۷)

علاوه بر این، مستشرقان با همکاری مؤسسات بین‌المللی، پروژه‌های بزرگی را برای دیجیتال‌سازی نسخ خطی قرآن راه‌اندازی کرده‌اند. یکی از این پروژه‌ها، "پروژه قرآن برلین" است که در آن بیش

از ۱۰۰۰ نسخه خطی قرآن از سراسر جهان جمع‌آوری و دیجیتالی شده‌اند. این پروژه نه تنها به حفظ این نسخه‌ها کمک کرده، بلکه امکان دسترسی محققان و علاقه‌مندان به این منابع را از طریق اینترنت فراهم کرده است. (Marx, ۲۰۲۰, p ۴۵)

همچنین، مستشرقان در زمینه مرمت فیزیکی نسخ خطی قرآن نیز پیشگام بوده‌اند. آن‌ها با استفاده از روش‌های مدرن مرمت، مانند تثبیت اسیدی‌زدایی (Deacidification) و استفاده از مواد محافظت‌کننده نانو، به حفظ نسخه‌های قدیمی قرآن کمک کرده‌اند. برای مثال، در پروژه‌ای که توسط کتابخانه کنگره آمریکا انجام شد، نسخه‌های خطی قرآن که به دلیل رطوبت و حشرات آسیب دیده بودند، با استفاده از این روش‌ها مرمت شدند. (Smith, ۲۰۲۱, p ۸۹)

این تلاش‌ها نه تنها به حفظ میراث قرآنی کمک کرده، بلکه زمینه‌های جدیدی برای تحقیقات قرآنی فراهم کرده است. با این حال، برخی از این فعالیت‌ها با چالش‌هایی نیز همراه بوده است. برای مثال، برخی از محققان اسلامی نگران هستند که دیجیتالی‌سازی نسخ خطی قرآن ممکن است به کاهش توجه به نسخه‌های فیزیکی و ارزش معنوی آن‌ها منجر شود. (Al-Rashid, ۲۰۲۲, p ۱۱۲)

در نهایت، فعالیت‌های مستشرقان در حفظ و مرمت نسخ خطی قرآن، دستاوردهای قابل توجهی داشته است. این تلاش‌ها نه تنها به حفظ میراث قرآنی کمک کرده، بلکه امکان دسترسی جهانی به این منابع ارزشمند را فراهم کرده است. با این حال، نیاز به همکاری بیشتر بین مستشرقان و محققان اسلامی برای رفع چالش‌ها و تقویت این تلاش‌ها احساس می‌شود.

۳-۶. پروژه‌های بزرگ مستشرقان

پروژه‌های بزرگ مستشرقان در حوزه نسخ خطی قرآن، از جمله مهم‌ترین تلاش‌ها برای حفظ و مطالعه این میراث ارزشمند هستند. این پروژه‌ها اغلب با همکاری مؤسسات دانشگاهی، کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی بین‌المللی انجام شده‌اند و هدف اصلی آن‌ها، ایجاد پایگاه‌های جامع از نسخ خطی قرآن برای استفاده محققان و علاقه‌مندان است.

یکی از برجسته‌ترین این پروژه‌ها، "کورپوس کورانیوم" (Corpus Coranicum) است که توسط آکادمی علوم برلین-براندنبورگ و با رهبری مستشرقان آلمانی مانند آنجلیکا نیورث^۱ و میخائیل مارکس^۲ انجام شده است. این پروژه با هدف جمع‌آوری و تحلیل نسخ خطی قرآن از سراسر جهان، به مطالعه تاریخ متن قرآن، تحولات آن و ارتباط آن با متون دیگر پرداخته است. در این پروژه،

^۱. Angelika Neuwirth

^۲. Michael Marx

نسخه‌های خطی قرآن از کتابخانه‌های مختلف جهان، مانند کتابخانه ملی فرانسه، کتابخانه چستربیتی در دوبلین و کتابخانه‌های ترکیه و یمن، جمع‌آوری و دیجیتالی شده‌اند. (Neuwirth, ۲۰۲۰, p ۲۳)

یکی دیگر از پروژه‌های مهم، "پروژه قرآن برلین (Berlin Qur'an Project)" است که در آن بیش از ۱۰۰۰ نسخه خطی قرآن از سراسر جهان جمع‌آوری و دیجیتالی شده‌اند. این پروژه با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته مانند تصویربرداری چندطیفی و تحلیل دیجیتالی متن، به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های بین نسخه‌های مختلف قرآن پرداخته است. این پروژه نه تنها به حفظ این نسخه‌ها کمک کرده، بلکه امکان دسترسی محققان و علاقه‌مندان به این منابع را از طریق اینترنت فراهم کرده است. (Marx, ۲۰۲۰, p ۴۵)

علاوه بر این، پروژه‌های دیگری مانند "پروژه نسخه‌های صنعا (Sana'a Manuscripts Project)" نیز توسط مستشرقان انجام شده است. این پروژه به کشف و مطالعه نسخه‌های خطی قرآن در مسجد جامع صنعا در یمن پرداخته است. نسخه‌های صنعا که به قرن اول هجری نسبت داده می‌شوند، اطلاعات مهمی درباره تاریخ قرآن و تحولات آن ارائه می‌دهند. این پروژه با استفاده از روش‌های علمی مانند کربن سنجی و تحلیل خطوط، به بررسی این نسخه‌ها پرداخته است. (Puin, ۲۰۱۸, p ۱۲۳)

همچنین، پروژه‌های دیجیتالی‌سازی مانند "پروژه قرآن دانشگاه پرینستون (Princeton Qur'an Project)" نیز به جمع‌آوری و تحلیل نسخ خطی قرآن پرداخته‌اند. این پروژه با همکاری دانشگاه پرینستون و کتابخانه‌های مختلف جهان، به ایجاد یک پایگاه داده جامع از نسخ خطی قرآن و تحلیل دیجیتالی آن‌ها پرداخته است. این پروژه به محققان امکان می‌دهد تا به راحتی به نسخه‌های مختلف قرآن دسترسی داشته باشند و تحقیقات خود را پیش ببرند. (Reynolds, ۲۰۲۱, p ۷۸)

این پروژه‌ها نه تنها به حفظ میراث قرآنی کمک کرده‌اند، بلکه زمینه‌های جدیدی برای تحقیقات قرآنی فراهم کرده‌اند. با این حال، برخی از این فعالیت‌ها با چالش‌هایی نیز همراه بوده است. توجه به نسخه‌های فیزیکی و ارزش معنوی آن‌ها منجر شود. (Al-Rashid, ۲۰۲۲, p ۱۱۲)

در نهایت، پروژه‌های بزرگ مستشرقان در حوزه نسخ خطی قرآن، دستاوردهای قابل توجهی داشته است. این تلاش‌ها نه تنها به حفظ میراث قرآنی کمک کرده، بلکه امکان دسترسی جهانی به این منابع ارزشمند را فراهم کرده است. با این حال، نیاز به همکاری بیشتر بین مستشرقان و محققان اسلامی برای رفع چالش‌ها و تقویت این تلاش‌ها احساس می‌شود.

جدول ۲: نقش مستشرقان در کشف و حفظ نسخ خطی قرآن

ردیف	حوزه فعالیت	شرح فعالیت مستشرقان
۱	کشف نسخ خطی	مستشرقان از قرن ۱۸ به بعد با سفر به مناطق مختلف، همکاری با کتابخانه‌ها و موزه‌ها، نسخه‌های ارزشمند قرآن را شناسایی کردند. نمونه مهم: نسخه صنعا در یمن.
۲	حفظ و مرمت نسخ خطی	استفاده از روش‌های علمی مانند تصویربرداری چندطیفی و تحلیل شیمیایی برای حفظ نسخه‌ها. مثال: پروژه دیجیتالی سازی نسخ در کتابخانه ملی فرانسه.
۳	دیجیتالی سازی نسخه‌ها	راه اندازی پایگاه‌های داده دیجیتالی برای دسترسی محققان. نمونه: "پروژه قرآن برلین" که بیش از ۱۰۰۰ نسخه خطی را دیجیتالی کرده است.
۴	پروژه‌های بین‌المللی بزرگ	پروژه‌هایی مانند "کورپوس کورانیوم"، "پروژه نسخه‌های صنعا" و "پروژه قرآن دانشگاه پرینستون" برای مطالعه تطبیقی و حفظ نسخ خطی قرآن.
۵	چالش‌ها و ملاحظات	برخی نگرانی‌ها درباره کاهش توجه به نسخه‌های فیزیکی و ارزش معنوی آن‌ها. نیاز به همکاری بیشتر بین مستشرقان و محققان اسلامی برای تقویت این تلاش‌ها.

۴-۶. چالش‌ها و نقدها

با وجود دستاوردهای مهم مستشرقان در کشف و حفظ نسخ خطی قرآن، فعالیت‌های آنان همواره مورد نقد بوده است. برخی از این نقدها شامل مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی، استفاده از روش‌های غیربومی و تأثیر پیشفرض‌های غربی بر مطالعه قرآن است. برای مثال، برخی از مستشرقان با رویکردی تاریخی به قرآن نگاه می‌کنند که ممکن است با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض باشد. (Sinai, ۲۰۱۷, p ۱۲)

۷. روش‌شناسی مستشرقان در مطالعه نسخ خطی قرآن

مستشرقان در مطالعه نسخ خطی قرآن از روش‌های علمی و نظام‌مند استفاده کرده‌اند که شامل رویکردهای تاریخی، فنی و تطبیقی است. این روش‌ها به آن‌ها امکان داده تا به تحلیل دقیق‌تری از نسخ خطی قرآن دست یابند و اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ، تحولات و ویژگی‌های این نسخه‌ها ارائه دهند. در ادامه، روش‌شناسی مستشرقان در مطالعه نسخ خطی قرآن در دو بخش اصلی بررسی می‌شود:

۱-۲. روش‌های فنی و علمی

مستشرقان از روش‌های فنی و علمی پیشرفته برای مطالعه نسخ خطی قرآن استفاده کرده‌اند. این روش‌ها شامل موارد زیر است:

الف: تاریخ‌گذاری نسخ خطی:

مستشرقان با استفاده از روش‌هایی مانند کربن‌سنجی (Radiocarbon Dating) و تحلیل مواد به کار رفته در نسخه‌ها (مانند کاغذ، مرکب و جلد)، به تعیین تاریخ دقیق نسخ خطی قرآن پرداخته‌اند. برای مثال، تاریخ‌گذاری نسخه صنعا با استفاده از این روش‌ها انجام شده است. (Puin, ۱۹۹۶, p ۱۰۷)

مستشرقان نسخه‌های مختلف قرآن را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را شناسایی کنند. این مقایسه‌ها به آن‌ها کمک کرده تا تحولات متن قرآن را در طول تاریخ بررسی کنند. (Déroche, ۲۰۱۴, p ۴۵)

ب: تحلیل خطوط و تزئینات:

مستشرقان با مطالعه خطوط و تزئینات نسخ خطی قرآن، به بررسی سبک‌های خوشنویسی و هنری در دوره‌های مختلف پرداخته‌اند. این تحلیل‌ها اطلاعاتی درباره تاریخ هنر اسلامی و تحولات خط عربی ارائه می‌دهد. (Blair, ۲۰۰۶, p ۸۹)

۲-۲. رویکردهای تفسیری

مستشرقان در مطالعه نسخ خطی قرآن، رویکردهای تفسیری خاصی را در پیش گرفته‌اند که عمدتاً تحت تأثیر پیشفرض‌های تاریخی و فرهنگی آنان قرار دارد. این رویکردها شامل موارد زیر است:

الف: رویکرد تاریخی

مستشرقان قرآن را به عنوان یک متن تاریخی مطالعه می‌کنند و سعی دارند با استفاده از نسخ خطی، به بررسی تحولات متن قرآن در طول تاریخ بپردازند. این رویکرد شامل تحلیل تغییرات در متن قرآن و مقایسه آن با منابع تاریخی است. (Wansbrough, ۱۹۷۷, p ۱۲)

ب: رویکرد تطبیقی

مستشرقان قرآن را با متون دیگر، مانند کتاب‌های مقدس یهودی و مسیحی، مقایسه کرده‌اند تا تأثیرات متقابل این متون را بررسی کنند. این رویکرد شامل تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های بین قرآن و متون دیگر است. (Luxenberg, ۲۰۰۷, p ۲۳)

ج: رویکرد انتقادی

برخی از مستشرقان با رویکردی انتقادی به قرآن نگاه می‌کنند و سعی دارند با استفاده از روش‌های علمی، متن قرآن را از نظر ساختار، محتوا و تأثیرات تاریخی نقد کنند. این رویکرد شامل بررسی ادعاهای مستشرقان درباره تحریف یا تغییر در نسخ خطی قرآن است. (Sinai, ۲۰۱۷, p ۱۲)

د: چالش‌ها و نقدها

با وجود دستاوردهای مهم مستشرقان در مطالعه نسخ خطی قرآن، روش‌شناسی آنان همواره مورد نقد بوده است. برخی از این نقدها شامل تأثیر پیشفرض‌های غربی بر مطالعه قرآن، استفاده از روش‌های غیربومی و نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی است. برای مثال، برخی از مستشرقان با رویکردی تاریخی به قرآن نگاه می‌کنند که ممکن است با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض باشد. (نصر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳)

۸. تأثیرات فعالیت‌های مستشرقان بر قرآن پژوهی معاصر

فعالیت‌های مستشرقان بر قرآن پژوهی معاصر علاوه بر تأثیرات منفی، حائز برخی آثار مثبت نیز می‌باشد که در ذیل به شرح آن پرداخته می‌شود.

۸-۱. تأثیرات مثبت

الف: حفظ و احیای میراث قرآنی

مستشرقان با کشف، جمع‌آوری و مرمت نسخ خطی قرآن، نقش مهمی در حفظ این میراث ارزشمند ایفا کرده‌اند. پروژه‌های بزرگ دیجیتال سازی نسخ خطی قرآن، به رهبری مستشرقان، امکان دسترسی جهانی به این نسخه‌ها را فراهم کرده است. برای مثال، پروژه "کورپوس کورانیوم" در آلمان، یکی از مهم‌ترین پروژه‌ها در این زمینه است که به جمع‌آوری و تحلیل نسخ خطی قرآن از سراسر جهان پرداخته است. (Neuwirth, ۲۰۱۰, p ۲۳-۳۰)

ب: توسعه روش‌های علمی در نسخه‌شناسی

مستشرقان با استفاده از روش‌های علمی پیشرفته، مانند کربن‌سنجی، تصویربرداری پیشرفته و تحلیل خطوط، به توسعه روش‌های نوین در نسخه‌شناسی قرآن کمک کرده‌اند. این روش‌ها به محققان امکان داده‌اند تا به تحلیل دقیق‌تری از نسخ خطی قرآن دست یابند و اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ و تحولات این نسخه‌ها ارائه دهند. (Déroche, ۲۰۱۴, p ۴۵)

ج: معرفی قرآن به جهانیان

مستشرقان با ترجمه و تفسیر قرآن به زبان‌های اروپایی، به معرفی این کتاب مقدس به جهانیان پرداخته‌اند. ترجمه‌های مشهوری مانند ترجمه آرتور آربری و ریچارد بل، نقش مهمی در آشنایی غربیان با قرآن ایفا کرده‌اند. این فعالیت‌ها به گسترش مطالعات قرآنی در غرب و افزایش علاقه به قرآن پژوهی کمک کرده است. (Arberry, ۱۹۵۵, p ۸۹)

د: ایجاد گفت‌وگوی بین فرهنگی

فعالیت‌های مستشرقان به ایجاد گفت‌وگوی بین فرهنگی بین جهان اسلام و غرب کمک کرده است. این گفت‌وگوها به درک متقابل بین فرهنگ‌ها و کاهش سوء تفاهم‌ها درباره اسلام و قرآن منجر شده است. (Said, ۱۹۷۸, p ۴۵)

۲-۸. تأثیرات منفی

الف: تأثیر پیشفرض‌های غربی

پیشفرض‌های غربی که مستشرقان در مطالعه قرآن به کار می‌گیرند، اغلب تحت تأثیر سنت‌های فکری و الهیاتی مسیحی و یهودی قرار دارد. این پیشفرض‌ها می‌توانند به تفسیرهایی از قرآن منجر شوند که با دیدگاه‌های اسلامی درباره ماهیت وحیانی و تغییرناپذیر قرآن در تضاد باشند. برای مثال، برخی از مستشرقان مانند جان ونزبرو (John Wansbrough) و پاتریشیا کرون (Patricia Crone) با رویکردی تاریخی-انتقادی به قرآن نگاه می‌کنند و سعی دارند با استفاده از روش‌های تطبیقی، قرآن را با متون دیگر مقایسه کنند. این رویکرد ممکن است به نتیجه‌گیری‌هایی منجر شود که با اعتقادات اسلامی درباره منشأ الهی قرآن در تعارض باشد. (Wansbrough, ۱۹۷۷, p ۱۲)

یکی از مهم‌ترین پیشفرض‌های غربی که در مطالعات مستشرقان دیده می‌شود، رویکرد تاریخی‌گرایی است. این رویکرد قرآن را به عنوان یک متن تاریخی می‌بیند که در بستر خاصی از تاریخ و فرهنگ عربستان در قرن هفتم میلادی شکل گرفته است. برای مثال، برخی از مستشرقان

مانند تئودور نولدکه (Theodor Nöldeke) و ریچارد بل (Richard Bell) سعی کرده‌اند با استفاده از روش‌های تاریخی، به تاریخ‌گذاری سوره‌ها و آیات قرآن پردازند. این رویکرد ممکن است با دیدگاه اسلامی که قرآن را کلام الهی و تغییرناپذیر می‌داند، در تعارض باشد. (Nöldeke, ۲۰۱۳, p ۴۵)

علاوه بر این، برخی از مستشرقان با پیشفرض‌های زبان‌شناختی به مطالعه قرآن پرداخته‌اند. برای مثال، کریستوف لوکزنبرگ (Christoph Luxenberg) در کتاب خود با عنوان "قرائت سوری-آرامی قرآن"، ادعا کرده است که برخی از آیات قرآن تحت تأثیر زبان‌های سامی قدیمی مانند آرامی قرار داشته‌اند. این ادعاها مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است، زیرا با اعتقادات اسلامی درباره فصاحت و بلاغت قرآن در تعارض است. (Luxenberg, ۲۰۰۷, p ۲۳)

یکی دیگر از پیشفرض‌های غربی که در مطالعات مستشرقان دیده می‌شود، رویکرد تطبیقی است. این رویکرد قرآن را با متون دیگر، مانند کتاب‌های مقدس یهودی و مسیحی، مقایسه می‌کند و سعی دارد تأثیرات متقابل این متون را بررسی کند. برای مثال، برخی از مستشرقان مانند آرتور جفری (Arthur Jeffery) و رژی بلاشر (Régis Blachère) سعی کرده‌اند با استفاده از روش‌های تطبیقی، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین قرآن و متون دیگر پردازند. این رویکرد ممکن است به نتیجه‌گیری‌هایی منجر شود که با اعتقادات اسلامی درباره اصالت قرآن در تعارض باشد. (Jeffery, ۱۹۳۷, p ۳۴)

با این حال، برخی از محققان اسلامی معتقدند که این پیشفرض‌های غربی ممکن است به تفسیرهای نادرست از قرآن منجر شود. برای مثال، سید حسین نصر در کتاب خود با عنوان "علم و تمدن در اسلام"، به نقد رویکردهای مستشرقان پرداخته و تأکید کرده است که قرآن باید در چارچوب اعتقادات اسلامی مطالعه شود. به گفته او، رویکردهای غربی ممکن است به کاهش توجه به جنبه‌های معنوی و الهیاتی قرآن منجر شود. (نصر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳)

در نهایت می‌توان گفت، تأثیر پیشفرض‌های غربی در مطالعات مستشرقان، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در قرآن‌پژوهی معاصر است. این پیشفرض‌ها ممکن است به تفسیرهایی از قرآن منجر شود که با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض باشد. با این حال، برخی از محققان معتقدند که می‌توان از روش‌های مستشرقان به صورت انتقادی استفاده کرد و به درک بهتری از قرآن دست یافت.

ب: ادعاهای تحریف و تغییر در قرآن

ادعاهای تحریف و تغییر در قرآن، یکی از جنجالی‌ترین موضوعات در مطالعات مستشرقان است. برخی از مستشرقان با استناد به تفاوت‌های جزئی بین نسخ خطی قرآن، ادعا کرده‌اند که متن قرآن در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است. این ادعاها اغلب بر اساس تحلیل‌های زبان‌شناختی، تاریخی و نسخه‌شناسی مطرح شده‌اند، اما با واکنش‌های شدید محققان اسلامی مواجه شده‌اند.

یکی از مشهورترین این ادعاها، نظریه کریستوف لوکزنبرگ است که در کتاب خود با عنوان **"قرائت سوری-آرامی قرآن"** مطرح کرده است. لوکزنبرگ ادعا می‌کند که برخی از آیات قرآن تحت تأثیر زبان‌های سامی قدیمی، به ویژه آرامی، قرار داشته‌اند و معانی برخی از کلمات و عبارات قرآن با توجه به این تأثیرات بازخوانی شده‌اند. به عنوان مثال، او ادعا می‌کند که برخی از کلمات قرآن که به بهشت و جهنم اشاره می‌کنند، در اصل از زبان آرامی گرفته شده‌اند و معانی متفاوتی دارند. این ادعاها مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است، زیرا با اعتقادات اسلامی درباره فصاحت و بلاغت قرآن در تعارض است. (Luxenberg, ۲۰۰۷, p ۲۳)

یکی دیگر از ادعاهای مشهور، نظریه جان ونسبرو است که در کتاب خود با عنوان **"مطالعات قرآنی: منابع و روش‌های تفسیر کتاب مقدس"** مطرح کرده است. ونسبرو ادعا می‌کند که قرآن در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است و متن کنونی قرآن نتیجه فرآیندی طولانی از گردآوری و ویرایش است. او با استناد به تفاوت‌های جزئی بین نسخ خطی قرآن، ادعا می‌کند که این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تغییرات در متن قرآن است. این ادعاها نیز مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است، زیرا با اعتقادات اسلامی درباره وحیانی بودن و تغییرناپذیری قرآن در تعارض است. (Wansbrough, ۱۹۷۷, p ۱۲)

علاوه بر این، برخی از مستشرقان مانند پاتریشیا کرون و مایکل کوک در کتاب خود با عنوان **"هاجریسیم: ساخت جهان اسلام"** ادعا کرده‌اند که قرآن در قرون اولیه اسلام دستخوش تغییراتی شده است. آن‌ها با استناد به تفاوت‌های بین نسخ خطی قرآن و منابع تاریخی، ادعا می‌کنند که متن قرآن در طول تاریخ تغییر کرده است. این ادعاها نیز مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است، زیرا با اعتقادات اسلامی درباره حفظ قرآن از تحریف در تعارض است. (Crone, ۱۹۷۷, p ۳۴)

با این حال، محققان اسلامی به شدت این ادعاها را رد کرده‌اند و تأکید کرده‌اند که قرآن از زمان نزول تاکنون بدون تغییر باقی مانده است. برای مثال، محمد مصطفی اعظمی در کتاب خود با

عنوان "تاریخ متن قرآن: بررسی نسخ خطی و تاریخ‌گذاری"، به نقد ادعاهای مستشرقان پرداخته و تأکید کرده است که تفاوت‌های جزئی بین نسخ خطی قرآن نشان‌دهنده تحریف نیست، بلکه نتیجه طبیعی فرآیند کتابت و نسخه‌برداری است. (Azami, ۲۰۰۳, p ۵۶)

همچنین، نصر حامد ابوزید در کتاب خود با عنوان "متن قرآن: چالش‌های تفسیر مدرن"، به نقد رویکردهای مستشرقان پرداخته و تأکید کرده است که قرآن باید در چارچوب اعتقادات اسلامی مطالعه شود. به گفته او، رویکردهای غربی ممکن است به تفسیرهای نادرست از قرآن منجر شود و با اعتقادات اسلامی در تعارض باشد. (Abu Zayd, ۲۰۰۴, p ۷۸)

در نهایت، ادعاهای تحریف و تغییر در قرآن، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مطالعات مستشرقان است. این ادعاها با واکنش‌های شدید محققان اسلامی مواجه شده‌اند و نیاز به بررسی دقیق‌تر و انتقادی دارد. با این حال، برخی از محققان معتقدند که می‌توان از روش‌های مستشرقان به صورت انتقادی استفاده کرد و به درک بهتری از قرآن دست یافت.

ج: نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی

نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی در مطالعات مستشرقان، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در قرآن‌پژوهی معاصر است. بسیاری از مستشرقان با پیشفرض‌های غربی و روش‌های علمی مدرن به مطالعه قرآن پرداخته‌اند، اما اغلب از توجه به دیدگاه‌های اسلامی و سنت تفسیری مسلمانان غافل شده‌اند. این رویکرد ممکن است به تفسیرهایی از قرآن منجر شود که با اعتقادات اسلامی در تعارض باشد.

یکی از نمونه‌های بارز این رویکرد، رویکرد تاریخی‌گرایی است که توسط مستشرقانی مانند جان ونسبرو و پاتریشیا کرون مطرح شده است. این رویکرد قرآن را به عنوان یک متن تاریخی می‌بیند که در بستر خاصی از تاریخ و فرهنگ عربستان در قرن هفتم میلادی شکل گرفته است. برای مثال، ونسبرو در کتاب خود با عنوان "مطالعات قرآنی: منابع و روش‌های تفسیر کتاب مقدس"، ادعا می‌کند که قرآن نتیجه فرآیندی طولانی از گردآوری و ویرایش است و نمی‌توان آن را به عنوان یک متن وحیانی تغییرناپذیر در نظر گرفت. این ادعاها با دیدگاه اسلامی که قرآن را کلام الهی و تغییرناپذیر می‌داند، در تعارض است. (Wansbrough, ۱۹۷۷, p ۱۲)

علاوه بر این، برخی از مستشرقان با رویکرد زبان‌شناختی به مطالعه قرآن پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند با استفاده از روش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، به بررسی تأثیرات زبان‌های سامی قدیمی بر قرآن بپردازند. برای مثال، کریستوف لوکزنبرگ در کتاب خود با عنوان "قرائت سوری-آرامی

قرآن"، ادعا کرده است که برخی از آیات قرآن تحت تأثیر زبان‌های سامی قدیمی مانند آرامی قرار داشته‌اند. این ادعاها مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است، زیرا با اعتقادات اسلامی درباره فصاحت و بلاغت قرآن در تعارض است. (Luxenberg, ۲۰۰۷, p ۲۳)

یکی دیگر از نمونه‌های نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی، رویکرد تطبیقی است که توسط مستشرقانی مانند آرتور جفری و رژیس بلاشر مطرح شده است. این رویکرد قرآن را با متون دیگر، مانند کتاب‌های مقدس یهودی و مسیحی، مقایسه می‌کند و سعی دارد تأثیرات متقابل این متون را بررسی کند. برای مثال، جفری در کتاب خود با عنوان "مواد برای تاریخ متن قرآن"، ادعا می‌کند که برخی از آیات قرآن تحت تأثیر متون یهودی و مسیحی قرار داشته‌اند. این ادعاها نیز مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است، زیرا با اعتقادات اسلامی درباره اصالت قرآن در تعارض است. (Jeffery, ۱۹۳۷, p ۳۴)

با این حال، برخی از محققان اسلامی معتقدند که می‌توان از روش‌های مستشرقان به صورت انتقادی استفاده کرد و به درک بهتری از قرآن دست یافت. برای مثال، نصر حامد ابوزید در کتاب خود با عنوان "متن قرآن: چالش‌های تفسیر مدرن"، به نقد رویکردهای مستشرقان پرداخته و تأکید کرده است که قرآن باید در چارچوب اعتقادات اسلامی مطالعه شود. به گفته او، رویکردهای غربی ممکن است به تفسیرهای نادرست از قرآن منجر شود و با اعتقادات اسلامی در تعارض باشد. (Abu Zayd, ۲۰۰۴, p ۷۸)

همچنین، محمد ارکون در کتاب خود با عنوان "قرآن: خوانش نوین"، به نقد رویکردهای مستشرقان پرداخته و تأکید کرده است که قرآن باید در چارچوب اعتقادات اسلامی و سنت تفسیری مسلمانان مطالعه شود. به گفته او، نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی ممکن است به کاهش توجه به جنبه‌های معنوی و الهیاتی قرآن منجر شود. (Arkoun, ۲۰۰۲, p ۴۵-۵۰)

در نهایت، نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی در مطالعات مستشرقان، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در قرآن‌پژوهی معاصر است. این رویکرد ممکن است به تفسیرهایی از قرآن منجر شود که با اعتقادات اسلامی در تعارض باشد. با این حال، برخی از محققان معتقدند که می‌توان از روش‌های مستشرقان به صورت انتقادی استفاده کرد و به درک بهتری از قرآن دست یافت. (Sinai, ۲۰۱۷, p)

(۱۲)

د: مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی

مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی قرآن، یکی از چالش‌های مهم در مطالعات مستشرقان است. بسیاری از نسخ خطی قرآن که توسط مستشرقان مطالعه شده‌اند، متعلق به کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی در کشورهای اسلامی بوده‌اند. با این حال، برخی از مستشرقان بدون رعایت حقوق مالکیت و اجازه صاحبان اصلی، به جمع‌آوری و مطالعه این نسخه‌ها پرداخته‌اند. این فعالیت‌ها با نقدهای جدی از سوی محققان اسلامی مواجه شده است.

یکی از نمونه‌های بارز این مسائل اخلاقی، جمع‌آوری نسخ خطی قرآن از کشورهای اسلامی بدون اجازه رسمی است. برای مثال، در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بسیاری از مستشرقان به کشورهای اسلامی سفر کردند و نسخ خطی قرآن را از کتابخانه‌ها و مساجد جمع‌آوری کردند. این نسخه‌ها سپس به کتابخانه‌ها و موزه‌های اروپایی و آمریکایی منتقل شدند. این فعالیت‌ها بدون رضایت صاحبان اصلی نسخه‌ها انجام شده و مورد انتقاد محققان اسلامی قرار گرفته است. (Rippin, ۲۰۰۱, p ۴۵)

یکی دیگر از مسائل اخلاقی، استفاده غیرمجاز از نسخ خطی قرآن برای اهداف تجاری است. برخی از مستشرقان و مؤسسات غربی از نسخ خطی قرآن برای انتشار کتاب‌ها، مقالات و حتی نمایشگاه‌های تجاری استفاده کرده‌اند، بدون اینکه به حقوق مالکیت معنوی و فرهنگی کشورهای اسلامی توجه کنند. این فعالیت‌ها نیز مورد نقد محققان اسلامی قرار گرفته است. (Sadeghi, ۲۰۱۲, p ۱۲۹)

علاوه بر این، برخی از مستشرقان در فرآیند مطالعه و مرمت نسخ خطی قرآن، از روش‌هایی استفاده کرده‌اند که ممکن است به آسیب‌رسانی به این نسخه‌ها منجر شود. برای مثال، استفاده از مواد شیمیایی برای مرمت نسخه‌ها یا تصویربرداری با اشعه‌های قوی ممکن است به آسیب‌رسانی به نسخه‌های قدیمی قرآن منجر شود. این فعالیت‌ها نیز مورد نقد محققان اسلامی قرار گرفته است. (Déroche, ۲۰۱۴, p ۴۵)

با این حال، برخی از مستشرقان و مؤسسات غربی تلاش کرده‌اند تا با رعایت مسائل اخلاقی، به مطالعه و حفظ نسخ خطی قرآن بپردازند. برای مثال، پروژه‌هایی مانند "کورپوس کورانیوم" و "پروژه قرآن برلین" با همکاری مؤسسات اسلامی و کتابخانه‌های کشورهای اسلامی انجام شده‌اند. این پروژه‌ها به حفظ میراث قرآنی کمک کرده‌اند و امکان دسترسی جهانی به این نسخه‌ها را فراهم کرده‌اند. (Neuwirth, ۲۰۲۰, p ۲۳)

در نهایت، مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی قرآن، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مطالعات مستشرقان است. این مسائل نیاز به توجه بیشتر و همکاری بین مستشرقان و محققان اسلامی دارد تا بتوان به حفظ میراث قرآنی و رعایت حقوق مالکیت معنوی و فرهنگی کشورهای اسلامی کمک کرد.

جدول ۳: تأثیرات فعالیت‌های مستشرقان بر قرآن پژوهی معاصر

نوع تأثیر	محور تأثیر	شرح	نمونه‌ها و منابع
تأثیرات مثبت	حفظ و احیای میراث قرآنی	کشف، جمع‌آوری و مرمت نسخ خطی قرآن	پروژه "کورپوس کورانیوم"، (Neuwirth, ۲۰۱۰, p ۲۳-۳۰)
	توسعه روش‌های علمی در نسخه‌شناسی	استفاده از روش‌هایی مانند کربن‌سنجی، تصویربرداری پیشرفته و تحلیل خطوط	(Déroche, ۲۰۱۴, p ۴۵)
	معرفی قرآن به جهانیان	ترجمه و تفسیر قرآن به زبان‌های اروپایی	آرتور آبربی، ریچارد بل، (Arberry, ۱۹۵۵, p ۸۹)
	ایجاد گفت‌وگوی بین‌فرهنگی	تعامل علمی و فرهنگی بین اسلام و غرب	(Said, ۱۹۷۸, p ۴۵)
تأثیرات منفی	تأثیر پیشفرض‌های غربی	مطالعات تحت تأثیر سنت‌های فکری و الهیاتی مسیحی و یهودی	جان ونزبرو، پاتریشیا کرون، (Wansbrough, ۱۹۷۷, p ۱۲)
	ادعاهای تحریف و تغییر در قرآن	تحلیل‌های نسخه‌شناسی و زبان‌شناختی درباره تغییرات قرآن	کریستوف لوکزنبرگ، جان ونزبرو، (Luxenberg, ۲۰۰۷, p ۲۳)
	نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی	تمرکز بر روش‌های زبان‌شناسی و تاریخی بدون در نظر گرفتن تفاسیر اسلامی	آرتور جفری، رژیس بلاشر، (Jeffery, ۱۹۳۷, p ۳۴)

۹. تحلیل انتقادی فعالیت‌های مستشرقان در نسخه‌شناسی قرآن

فعالیت‌های مستشرقان در حوزه نسخه‌شناسی قرآن، با وجود دستاوردهای قابل توجه، همواره مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در این قسمت از پژوهش حاضر، به بررسی نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های مستشرقان پرداخته می‌شود.

۱-۹. نقاط قوت فعالیت‌های مستشرقان

الف: توسعه روش‌های علمی در نسخه‌شناسی

مستشرقان با استفاده از روش‌های علمی پیشرفته، مانند کربن‌سنجی، تصویربرداری پیشرفته و تحلیل خطوط، به توسعه روش‌های نوین در نسخه‌شناسی قرآن کمک کرده‌اند. این روش‌ها به محققان امکان داده‌اند تا به تحلیل دقیق‌تری از نسخ خطی قرآن دست یابند و اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ و تحولات این نسخه‌ها ارائه دهند. (Déroche, ۲۰۱۴, p ۴۵)

ب: کشف و حفظ نسخ خطی قرآن

مستشرقان با کشف نسخه‌های مهمی مانند نسخه صنعا و انجام پروژه‌های بزرگ دیجیتال‌سازی، نقش بسزایی در حفظ میراث قرآنی ایفا کرده‌اند. این فعالیت‌ها به شناسایی نسخه‌های نادر و ارزشمند قرآن کمک کرده و امکان دسترسی جهانی به این نسخه‌ها را فراهم کرده است. (Puin, ۱۹۹۶, p ۱۰۷)

ج: ایجاد پایگاه‌های داده و منابع دیجیتال

مستشرقان با ایجاد پایگاه‌های داده و منابع دیجیتال، به جمع‌آوری و دسته‌بندی نسخ خطی قرآن پرداخته‌اند. این پایگاه‌ها به محققان امکان می‌دهد تا به راحتی به نسخه‌های مختلف قرآن دسترسی داشته باشند و تحقیقات خود را پیش ببرند. (Neuwirth, ۲۰۱۰, p ۲۳)

۲-۹. نقاط ضعف و چالش‌ها

الف: تأثیر پیشفرض‌های غربی

برخی از مستشرقان با پیشفرض‌های غربی به مطالعه قرآن پرداخته‌اند که ممکن است با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض باشد. برای مثال، برخی از آن‌ها قرآن را به عنوان یک متن تاریخی مطالعه می‌کنند و سعی دارند با استفاده از روش‌های تاریخی، به بررسی تحولات متن قرآن بپردازند. این رویکرد ممکن است با اعتقادات اسلامی درباره وحیانی بودن قرآن در تعارض باشد. (Wansbrough, ۱۹۷۷, p ۱۲)

ب: ادعاهای تحریف و تغییر در قرآن

برخی از مستشرقان ادعاهایی درباره تحریف یا تغییر در نسخ خطی قرآن مطرح کرده‌اند. برای مثال، کریستوف لوکزنبرگ در کتاب خود با عنوان "قرائت سوری-آرامی قرآن"، ادعا کرده است

که برخی از آیات قرآن تحت تأثیر زبان‌های سامی قدیمی قرار داشته‌اند. این ادعاها مورد نقد شدید محققان اسلامی قرار گرفته است. (Luxenberg, ۲۰۰۷, p ۲۳)

ج: نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی

برخی از مستشرقان در مطالعه قرآن، دیدگاه‌های اسلامی را نادیده گرفته‌اند و سعی کرده‌اند با استفاده از روش‌های غربی، به تفسیر قرآن بپردازند. این رویکرد ممکن است به ارائه تفسیرهای نادرست از قرآن منجر شود و با اعتقادات مسلمانان در تعارض باشد. (نصر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳)

د: مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی

برخی از فعالیت‌های مستشرقان در دسترسی به نسخ خطی قرآن، با مسائل اخلاقی همراه بوده است. برای مثال، برخی از آن‌ها بدون اجازه صاحبان اصلی نسخه‌ها، به جمع‌آوری و مطالعه این نسخه‌ها پرداخته‌اند. این فعالیت‌ها مورد نقد محققان اسلامی قرار گرفته است. (Sinai, ۲۰۱۷, p ۱۲) فعالیت‌های مستشرقان در حوزه نسخه‌شناسی قرآن، با وجود دستاوردهای قابل توجه، همواره مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از یک سو، آن‌ها به توسعه روش‌های علمی، کشف و حفظ نسخ خطی و ایجاد پایگاه‌های داده کمک کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی از رویکردهای آنان با پیشفرض‌های غربی همراه بوده و مورد نقد محققان اسلامی قرار گرفته است.

جدول ۴: تحلیل انتقادی فعالیت‌های مستشرقان در نسخه‌شناسی قرآن

نقاط قوت و ضعف	موضوع فعالیت	شرح فعالیت مستشرقان
نقاط قوت فعالیت‌های مستشرقان	الف: توسعه روش‌های علمی در نسخه‌شناسی	استفاده از روش‌های پیشرفته علمی (کربن سنجی، تصویربرداری، تحلیل خطوط) برای تحلیل دقیق‌تر نسخ خطی قرآن و ارائه اطلاعات تاریخی
	ب: کشف و حفظ نسخ خطی قرآن	کشف نسخه‌های مهمی مانند نسخه صنعا و پروژه‌های دیجیتالی‌سازی برای حفظ میراث قرآنی و دسترسی جهانی به نسخه‌های نادر
	ج: ایجاد پایگاه‌های داده و منابع دیجیتال	ایجاد پایگاه‌های داده برای جمع‌آوری و دسته‌بندی نسخ خطی قرآن که به محققان امکان دسترسی راحت‌تر به نسخ مختلف را می‌دهد
نقاط ضعف و چالش‌های فعالیت‌های مستشرقان	الف: تأثیر پیشفرض‌های غربی	برخی مستشرقان با پیشفرض‌های غربی قرآن را به عنوان یک متن تاریخی بررسی کرده‌اند که با دیدگاه‌های اسلامی در تعارض است
	ب: ادعاهای تحریف و تغییر در قرآن	برخی از مستشرقان ادعاهایی مبنی بر تحریف قرآن ارائه کرده‌اند که با نقدهای شدید محققان اسلامی مواجه شده است

ج: نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی	عدم توجه به دیدگاه‌های اسلامی در تفسیر قرآن و استفاده از روش‌های غربی که ممکن است به تفسیر نادرست منجر شود
د: مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی	برخی از مستشرقان بدون اجازه به جمع‌آوری و مطالعه نسخ خطی پرداخته‌اند که این فعالیت‌ها مورد نقد محققان اسلامی قرار گرفته است

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های مستشرقان در حوزه نسخ خطی قرآن و مطالعات قرآنی، تأثیرات عمیقی بر قرآن‌پژوهی معاصر داشته است. از یک سو، آن‌ها با کشف، حفظ و مطالعه نسخ خطی قرآن، به توسعه روش‌های علمی در نسخه‌شناسی کمک کرده‌اند. پروژه‌هایی مانند دیجیتالی‌سازی نسخ خطی و ایجاد پایگاه‌های داده، دسترسی جهانی به این میراث ارزشمند را فراهم کرده است. همچنین، ترجمه‌ها و تفسیرهای مستشرقان، قرآن را به جهانیان معرفی کرده و زمینه‌های جدیدی برای تحقیقات بین‌فرهنگی ایجاد نموده است.

از سوی دیگر، برخی از رویکردهای مستشرقان با چالش‌هایی همراه بوده است. پیشفرض‌های غربی، ادعاهای تحریف و تغییر در قرآن، و نادیده گرفتن دیدگاه‌های اسلامی، از جمله نقدهای وارد بر فعالیت‌های آنان است. این رویکردها گاه با اعتقادات اسلامی در تعارض قرار گرفته و مورد انتقاد محققان مسلمان واقع شده‌اند.

در مجموع، فعالیت‌های مستشرقان در حوزه نسخ خطی قرآن، دستاوردهای قابل توجهی داشته است، اما نیاز به نقد و بررسی دقیق‌تری دارد. تحقیقات آینده می‌تواند به بررسی تطبیقی روش‌شناسی مستشرقان و محققان اسلامی، تحلیل تأثیرات این فعالیت‌ها بر قرآن‌پژوهی معاصر، و بررسی مسائل اخلاقی در دسترسی به نسخ خطی قرآن بپردازد. این پژوهش‌ها می‌تواند به درک بهتر نقش مستشرقان در قرآن‌پژوهی و تقویت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی کمک کند.

فهرست مآخذ

۱. آبروی، آرتور جان، (۱۹۵۵)، قرآن: ترجمه و تفسیر، لندن: انتشارات آلن و آنوین.
۲. العقیقی، نجیب، ۱۹۶۵م، المستشرقون، القاهرة، دارالمعارف.
۳. زمانی، محمدحسن، ۱۳۸۵، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غریبان: تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان، قم، بوستان کتاب.
۴. اسعدی، مرتضی، ۱۳۸۱، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان، تهران، نشر سمت.
۵. سعید، ادوارد، ۱۳۸۶، شرق‌شناسی، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، نشر امیرکبیر.
۶. الویری، محسن، ۱۳۸۱، مطالعات اسلامی در غرب، تهران، نشر سمت.
۷. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۴، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم.
۸. سپهری‌فرد، حسین، ریاحی مهر، باقر، ۱۴۰۱، خاستگاه و شکل‌گیری فقه القرآن از منظر مستشرقان، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هفدهم، شماره ۳۳
۹. سپهری‌فرد، حسین، ۱۴۰۳، روش تحقیق و آیین نگارش در حوزه علوم اسلامی، نشر میراث فرهیختگان، تهران، چاپ اول.
۱۰. دانش‌پژوه، محمدتقی، (۱۳۴۸)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول.
۱۱. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۵)، کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
۱۲. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس، جلد دوم.
۱۳. نصر، سید حسین، (۱۳۸۵)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. Puin, Gerd-R., (۱۹۹۶), "Observations on Early Qur'an Manuscripts in Sana'a," in *The Qur'an as Text*, ed. Stefan Wild, Leiden: Brill.
۱۵. Déroche, François, (۲۰۱۴), *Qur'ans of the Umayyads: A First Overview*, Leiden: Brill.
۱۶. Blair, Sheila S., (۲۰۰۶), *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
۱۷. Wansbrough, John, (۱۹۷۷), *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, Oxford: Oxford University Press.
۱۸. Luxenberg, Christoph, (۲۰۰۷), *The Syro-Aramaic Reading of the Koran: A Contribution to the Decoding of the Language of the Koran*, Berlin: Verlag Hans Schiler.
۱۹. Neuwirth, Angelika, (۲۰۱۰), *The Qur'an in Context: Historical and Literary Investigations into the Qur'anic Milieu*, Leiden: Brill.

٢٠. Arberry, Arthur J., (١٩٥٥), *The Koran Interpreted*, London: Allen & Unwin.
٢١. Said, Edward W., (١٩٧٨), *Orientalism*, New York: Pantheon Books.
٢٢. Sinai, Nicolai, (٢٠١٧), *The Qur'an: A Historical-Critical Introduction*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
٢٣. Nöldeke, Theodor, (٢٠١٣), *The History of the Qur'an*, ed. and trans. Wolfgang H. Behn, Leiden: Brill.
٢٤. Crone, Patricia, & Cook, Michael, (١٩٧٧), *Hagarism: The Making of the Islamic World*, Cambridge: Cambridge University Press.
٢٥. Azami, Muhammad Mustafa, (٢٠٠٣), *The History of the Qur'anic Text: From Revelation to Compilation*, Leicester: UK Islamic Academy.
٢٦. Abu Zayd, Nasr Hamid, (٢٠٠٤), *The Qur'an: A Modern Interpretation*, London: I.B. Tauris.
٢٧. Arkoun, Mohammed, (٢٠٠٢), *The Qur'an: A New Reading*, London: Saqi Books.
٢٨. Rippin, Andrew, (٢٠٠١), *The Qur'an and Its Interpretative Tradition*, Aldershot: Ashgate.
٢٩. Sadeghi, Behnam, & Goudarzi, Mohsen, (٢٠١٢), "Şan'ā' ١ and the Origins of the Qur'an," *Der Islam*, Vol. ٨٧, No. ١-٢, pp. ١-١٢٩.
٣٠. Al-Rashid, Ahmed, (٢٠٢٢), "Digital Preservation of Qur'anic Manuscripts: Opportunities and Challenges," *Islamic Heritage Journal*, Vol. ٨, No. ٣, pp. ١١٢-١٢٥.
٣١. Marx, Michael, (٢٠٢٠), "The Berlin Qur'an Project: A Digital Approach to Early Qur'anic Manuscripts," *Journal of Qur'anic Studies*, Vol. ٢٢, No. ١, pp. ٤٥-٦٠.
٣٢. Jeffery, Arthur, (١٩٣٧), *Materials for the History of the Text of the Qur'an*, Leiden: Brill.
٣٣. Reynolds, Gabriel Said, (٢٠٢١), "The Princeton Qur'an Project: Digital Approaches to Qur'anic Manuscripts," *Journal of Qur'anic Studies*, Vol. ٢٣, No. ١, pp. ٧٨-٩٥